

## \* آداب همسایه‌داری در سبک زندگی اسلامی

□ مرتضی رحیمی<sup>۱</sup>

### چکیده

کلمه «جار» که جمع آن جیره و جیران است، بارها در قرآن و دیگر متون اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. در خصوص معنای لغوی و اصطلاحی آن دیدگاه‌ها و اختلافات زیادی وجود دارد، اما در همه معانی لغوی آن، تمایل و علاقه مندرج است. در خصوص معنای اصطلاحی آن نیز عرف و شرع بهترین داور است. این اختلاف در خصوص محدوده آن نیز به چشم می‌خورد.

کلمه «جار» از جنبه‌های گوناگون، همچون قرب و بعد و... تقسیم می‌شود. هر چند کلمه مزبور هر نوع هم‌جواری از جمله هم جواری در محیط کار، اتومبیل، هوایما و... را شامل است، اما کاربرد آن در خصوص مسکن و محل زندگی وضوح بیشتری داشته و توجه دانشمندان اسلامی، همچون علمای اخلاق، فقه و... را به خود جلب نموده است.

با توجه به مفهوم «جار» و محدوده آن در متون اسلامی، از جمله قرآن، صحیفه سجادیه و... آدابی بیان شده که از یک سو سبک زندگی مناسب همسایه را بیان می‌دارد و از سویی نقش همسایه خوب در آرامش و بهداشت

روان را نشان می‌دهد. همچنین تحت عنوان «همسایگی» برای همسایگان، آدابی بیان شده که در جهت انس و الفت و محبت و جذب قلوب بسیار سازنده و مفید است.  
واژگان کلیدی: همسایه، حسن جوار، آداب همسایه‌داری، امام سجاد علی‌الله‌اش.

## ۱. مقدمه

همسایه و همسایه‌داری در فرهنگ اسلام نقشی به سزا دارد. از همین روی به طرق گوناگون، همچون آیات قرآن و روایات، مورد توصیه و سفارش قرار گرفته و آدابی برای آن بیان شده است. براساس تصریح امام علی علی‌الله‌اش، همواره پیامبر ﷺ به رعایت حقوق همسایه سفارش می‌نموده‌اند: «اللهُ فِي جِيرَانِكُمْ فَإِنَّهُمْ وَصِيهُ نِيَّبِكُمْ مَا زَالَ يُوصِي بِهِمْ حَتَّىٰ ظَنَّنَا أَنَّهُ سَيُورُثُهُمْ» (رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۶۲). فقهاء نیز این مسأله را از نظر دور نداشته و ضمن مستحب دانستن حسن جوار و بیان برخی از مستحبات و مکروهات همسایه‌داری، در موارد گوناگون از ابواب فقهی از احکام آن سخن گفته‌اند.

در جوامع اسلامی به دلیل وجود فرهنگ غنی اسلام، در بین همسایگان و دیگر آحاد جامعه، مهر، عاطفه، محبت و انس و الفت بیشتری به چشم می‌خورد، و در گذشته به دلیل کوچک بودن محیط‌های زندگی، نزدیکی محل کار، ساده‌تر بودن زندگی و نبود تشریفات پیچیده و تکلفات و... بین همسایگان و دیگر آحاد جامعه ارتباط بیشتری برقرار بوده است، تا جایی که به موجب سخن پیامبر ﷺ «ان طبخت مرقة فاکثر مائها و اغترف لجیرانک منها»؛ هرگاه آب گوشتی طبخ کردی، آب آن را زیاد کن و ظرفی از آن به همسایگان بده (المتقی الهندي، بی تا، ۶۶۷/۲)، و نیز «لا يشبع الرجل دون جاره؟؛ انسان نباید بدون همسایه‌اش سیر باشد (مسند احمد بن حنبل، بی تا، ۵۵/۱).

اما امروزه به دلایلی همچون بزرگ شدن محیط‌های زندگی، فاصله افتادن بین محل زندگی افراد، اشتغالات زیاد، زندگی پیچیده‌تر، پیدایش نیازهای جدید، تکلفات و تشریفات، تهاجم فرهنگی غرب و... نقش همسایگان کم رنگ

شده تا جایی که ممکن است افراد سال‌ها در کنار هم زندگی کنند، اما از یکدیگر بی‌خبر بوده و حتی اطلاعی از نام یکدیگر نداشته باشند. از این رو امروزه به دلیل خلاصه عاطفی، نیاز بیشتری به فرهنگ اسلام احساس می‌شود و سخنان امام سجاد علیه السلام در رسالت حقوق و صحیفه سجادیه و نیز سخنان دیگر معصومان علیهم السلام و راه‌کارهای ایشان و آداب و وظایفی که در باب همسایه‌داری بیان داشته‌اند می‌تواند بسیار چاره‌ساز باشد. ضرورت امر یاد شده با توجه به شاخه‌های گوناگون اخلاق کاربردی در جهان امروز بیشتر محسوس می‌گردد.

## ۲.۱. مفهوم شناسی

کلمه جار که جمع آن جیران و جیره می‌باشد، در لغت به معانی مختلفی به کار رفته است، برخی گفته‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۱): «من یقرب مسکنه منک»؛ همسایه کسی است که محل سکونت وی به تو نزدیک باشد. برخی گفته‌اند: «الجار من يجاورك بيت و تلاصقك» (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ۱۵۴/۴) و مدنی شیرازی، ۱۴۱۱ق، ۵۷/۶)؛ همسایه کسی است که نزدیک به خانه تو اقامت کند و به تو چسبیده باشد. فیومی گفته: «الجار: المجاور فى السكن و الجمع جيران»؛ جار به معنای مجاور در سکونت می‌باشد» (فیومی، بی‌تا، ۱۱۴/۲).

فیومی علاوه بر معنای فوق معانی دیگری را بیان داشته (همان)، که گسترده‌گی معنای جار را می‌رساند و نشان‌گر مشترک بودن لفظ یاد شده بوده که برای کاربردش در هر یک از معانی به قرینه نیاز دارد، و از سویی می‌رساند که جار به فرد نزدیک در سکونت محدود نمی‌شود، معانی دیگر جار عبارتند از:

۱. شریک در مزرعه، اعم از آن که شریک باشد یا نباشد؛
۲. شرطه و پاسبان؛
۳. امان دهنده به دیگری در آنچه که از آن می‌ترسد؛
۴. فردی که درخواست امان و پناهندگی می‌کند؛
۵. ناصر و یاری کننده؛

۶. هر یک از زوج و زوجه، که زوج را جار و زوجه را جاره می‌گویند؛  
 ۷. هووی زن، که به خاطر کراحت از لفظ ضره (هوو)، به وی جاره گفته  
 می‌شود.

ابن منظور (۱۴۰۵ق، ۱۵۴/۴) نیز علاوه بر معانی یاد شده به معانی دیگری همچون، هم پیمان، شریک در تجارت، منازل نزدیک به ساحل، منافق و... اشاره نموده است.

در سخن علی عليه السلام کلمه جیران به معنای هم پیمانان به کار رفته که فرموده‌اند: «وَ قَدْ بَلَغْتُمْ مِنْ كَرَامَةِ اللَّهِ تَعَالَى لَكُمْ مِنْزَلَةَ تَكْرِيمٍ بِهَا إِمَاؤُكُمْ وَ تَوْصِيلُهَا جِيرَانَكُمْ»؛ بر اثر کرامت (لطف) الهی شما آن چنان عزت و اعتباری تحصیل نموده‌اید که کنیزانتان را گرامی داشته و هم‌پیمانانتان از لطف الهی برخوردار می‌گردند (رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه، ۱۰۵، ص ۱۱۸).

در قرآن کریم لفظ جار و هم خانواده‌های آن به کار رفته که برخی از آنها به معنای پناه خواستن یا پناه گرفتن می‌باشد، از جمله آیه ﴿قُلْ مَنْ يَبْدِئِ مَلْكُوتَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ يُجِيرُ وَ لَا يُجَارُ عَلَيْهِ﴾؛ بگو ملکوت همه چیزها به دست چه کسی است، کیست که به همه کس پناه دهد و کسی را از او پناه نیست (مؤمنون: ۸۸). و نیز آیه ﴿قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَ لَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحِداً﴾؛ [ای پیامبر] بگو به درستی که [در صورت قهر خداوند] کسی نتواند مرا در پناه خویش بگیرد و جز او پناهگاه و گریزگاهی ندارم (جن: ۲۳).

با توجه به معانی گسترده جار، راغب گفته است: «جار از اسم‌هایی است که معانی نزدیک به هم دارد، زیرا کسی همسایه دیگری نمی‌شود مگر آن که آن همسایه برای او مانند برادر و دوست باشد و چون حق همسایگی عقلاء و شرعاً بسیار بزرگ و سنگین می‌شود. به هر کسی که حقش بر دیگران بزرگ است و حقی پیدا می‌کند یا حق همسایگی غیر خویشاوند را نیز بزرگ می‌شمارد در آن صورت، جار اطلاق می‌شود. خداوند فرموده است: ﴿وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَ الْجَارِ﴾

**الْجُنُبُ** (نساء/٣٦)؛ همسایه خویشاوند و غیر خویشاوند» (راغب، ١٤١٢ق، ص ٢١١).

به نظر می‌رسد که در همه معانی جار نوعی تمایل و گرایش وجود دارد. از این روی «میل» عنوانی است که همه معانی را در بر دارد. تعبیر برخی از دانشمندان لغت نیز دیدگاه یاد شده را تأیید می‌کند؛ چنانچه شرتونی در معنای جائز هم خانواده کلمه «جار» گفته است: «الحادي عن الطريق و الزائق عن الطريق» (شرطونی، ١٣٨٥ش، ١٤٩/١). و نیز فیومی (بی‌تا، ١١٤/٢) گفته است: «جار عن الطريق: مال». همچنین قرشی (قرشی، ١٣٧١ش، ٨٩ و قرشی، ١٣٧٧ش، ٤٠٧/٥) در معنای جار یحور به عبارت «مال یمیل» اشاره نموده است. ابن هائم (١٤٢٣ق، ١٣٩) نیز گفته است: «جار، از آن روی جار نامیده شده که به تو میل دارد، اصل جار، میل است».

## ۲.۲. معنای اصطلاحی جار

جار در اصطلاح به کسی اطلاق شده که به گونه‌ای شرعی مجاور انسان باشد، خواه مسلمان باشد یا کافر، تباہ کار باشد یا فاسق، دوست باشد یا دشمن، نیکو کار باشد یا بد کار، سودمند باشد یا زیان داشته باشد، نزدیک باشد یا دور، هم وطن باشد یا نباشد (الشحوذ، بی‌تا، ١٦٥/١).

براساس تعریف یاد شده، توافق دینی یا فکری در ثبوت حق همسایگی نقش و تأثیری ندارد، بلکه حق یاد شده مطلق بوده و شامل هر نوع همسایه‌ای می‌شود. از جمله دلایل شمول و فراگیری مفهوم جار آن است که در آیه **﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبُ﴾** (نساء/٣٦)، برخی از مفسران (آملی، ١٤٢٢ق، ٦٣٢/٢ و مکارم شیرازی، ١٤٢١ق، ٢٢٩/٣) «الجار الجنب». در پاره‌ای روایات به کافر کتابی نیز همسایه اطلاق شده و برای وی حقوقی تعیین شده است، چنانچه

پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «الجیران ثلاثة فجار له ثلاثة حقوق حق الجوار و حق القرابة و حق الإسلام و جار له حقان حق الجوار و حق الإسلام و جار له حق الجوار المشرک من أهل الكتاب» (فیض، ۱۴۰۶ق، ۲۹۱/۵). همچنین در پاره‌ای از روایات همچون: «حسن الجوار لمنجاورت مسلماً كان أو كافراً» (غزالی، بی‌تا، ۳۵۹/۲)؛ خوش همسایگی حتی نسبت به همسایه غیر مسلمان از جمله مکارم اخلاق و اعمال نیک تلقی شده است.

همان گونه که از مفهوم لغوی جار بر می‌آید، جار فقط همسایه در محل سکونت نیست، بلکه شامل هر فرد همراه در تجارت، بازار، مزرعه، دفتر و محل کار، محل تشکیل درس و جز آنها می‌شود. همچنین کلمه «جار» شامل همسایگی بین کشورها و ممالک نیز می‌گردد، از این رو هر کشوری بر کشور دیگر حق همسایگی دارد.

هر چند که جار مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد، اما در میان همه معانی آن همسایگی از حیث مسکن ووضوح بیشتری داشته و بیشتر از آن سخن گفته شده است. از همین روی در کتب فقهی در بحث نماز جماعت و توضیح حدیث «لا صلوة لجار المسجد الا في مسجده» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۹۲/۱) و نیز بحث وصیت برای همسایه و... از همسایگان و محدوده آن سخن گفته شده است.

### ۲.۳. محدوده همسایه

در خصوص محدوده همسایه، اختلافات زیادی به چشم می‌خورد:

۱. حد همسایگی چهل خانه است از هر طرف؛ این دیدگاه از زهری و اوذاعی نقل شده و در روایات شیعی نیز به آن تصریح شده است؛ چنانچه امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «كُلُّ أَرْبَعِينَ دَاراً جِيرَانٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَائِلِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶۶۹/۲). و نیز امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: «فَالَّذِي حَدَّ الْجِوارِ أَرْبَعُونَ دَاراً مِنْ كُلِّ جَانِبٍ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ

خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ» (همان).

هر چند که این دیدگاه، مربوط به اهل تسنن دانسته شده است، اما با استناد به روایات یاد شده و مشابه آنها، در میان فقهای شیعه نیز طرفدارانی دارد، چنانچه می‌توان فخر المحققین، فاضل مقداد، شیخ علی طوسی (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۳۴۳/۵)، بحرانی (۱۴۰۵ق، ۲۱۱/۲۲) و... را از طرفداران این دیدگاه برشمرد.

براساس این دیدگاه چنانچه فرض شود که هر فردی در وسط دایره‌ای قرار دارد، در امتداد شعاع این دایره از هر طرف چهل خانه قرار خواهد داشت، با محاسبه‌ای می‌توان نتیجه گرفت که هر فردی نزدیک پنج هزار خانه همسایه دارد، از سویی خیلی کم اتفاق می‌افتد که در شهرهای کوچک مقدار خانه‌ها بیش از پنج هزار تا باشد، از این روی در چنین شهرهایی همه همسایه یکدیگر محسوب می‌شوند (مکارم شیرازی، پیشین).

۲. از هر طرف ده خانه همسایه محسوب می‌شوند (فاضل مقداد، ۱۴۰۴ق، ۳۲۰/۲).

۳. هر کس صدای اذان را بشنود همسایه محسوب می‌شود؛ در این باره روایتی نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده که در آن فرموده‌اند: «مَنْ سَمِعَ النِّدَاءَ مِنْ جِيرَانِ الْمَسْجِدِ فَلَمْ يُجِبْ فَلَا صَلَاةَ لَهُ» (البرقی، ۱۳۷۱ق، ۸۵/۱). برخی در خصوص مفهوم یاد شده شرط نموده‌اند که صدای یاد شده باید بدون بلندگو به گوش برسد.<sup>۱</sup>

۴. همسایه هر خانه‌ای است که چسبیده به خانه انسان باشد؛ این دیدگاه از ابوحنیفه نقل شده است (حلی، بی‌تا، ص ۴۶۹ و ابن عابدین، ۱۴۱۵ق، ۵۲۳/۶).

۵. کسانی که یک مسجد آنها را جمع می‌کند، همسایه محسوب می‌شوند؛ این تفسیر به علی علیه السلام نیز نسبت داده شده است (کاشانی، ۱۴۰۹ق، ۳۵۱/۷).

۶. همه کسانی که در یک محله قرار دارند، همسایه محسوب می‌شوند (قنوجی، بی‌تا، ص ۱۷۱ و الشرینی الخطیب، ۱۳۷۷ق، ۳/۵۹).

۷. از هر سمت تا چهل ذراع همسایه محسوب می‌شوند؛ این دیدگاه نیز در

فقه شیعه طرفدارانی دارد، حتی برخی (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ۱۸/۴) از آن به قول مشهور تعبیر نموده‌اند.

۸ کسانی که در یک کوچه قرار دارند، همسایه‌اند، در این قول کسانی که از کوچه عبور می‌کنند همسایه تلقی نشده‌اند (الشريیني الخطيب، ۱۳۷۷ق، ۵۹/۳).

۹. برخی با استناد به آیه ﴿ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلْيَلًا﴾ هم جوار تو نمی‌شوند؛ در مدینه (احزاب ۶۰/۱) همه اهل شهر را همسایه دانسته‌اند (همان).

به نظر می‌رسد که بهترین داوری در خصوص محدوده همسایه، شرع و عرف و لغت است، از سویی داوری عرف در زمان‌ها و مکان‌های مختلف در این باره متفاوت است و با توجه به داوری شرع، چنانچه در جایی معلوم باشد که همسایه چه محدوده‌ای دارد، داوری شرع بی‌تردید پذیرفته می‌شود و در غیر این صورت باید به معنای لغوی و عرفی جار مراجعة شود. شهید ثانی ضمن توجه به نقش عرف در مفهوم جار گفته است: «بهتر و قوی‌تر آن است که در خصوص جiran به عرف مراجعة شود، زیرا قول اول (همسایه محسوب شدن از هر طرف به اندازه چهل ذراع)، گرچه مشهور است، اما مستند آن ضعیف است و قول دوم (همسایه محسوب شدن از هر طرف به اندازه چهل خانه)، به روایتی از اهل تسنن استناد دارد که عایشه آن را از پیامبر ﷺ نقل کرده که در آن فرموده‌اند: «الجار الی اربعین داراً» (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ۲۹/۵).

گرچه شهید ثانی از عامی بودن مستند دیدگاه دوم سخن گفته، اما چنانچه گذشت در منابع شیعی نیز دو روایت به این مضمون از امام صادق و امام باقر علیهم السلام نقل شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶۶۹/۲).

#### ۲.۴. اقسام همسایه

در متون اسلامی برای همسایه اقسام و انواعی بیان شده و از زوایا و ابعاد گوناگون تقسیم بندی‌های چندی صورت گرفته است، از جمله:

## ۱. همسایه دور و نزدیک:

﴿۱۰۵﴾

این تقسیم‌بندی در قرآن به چشم می‌خورد، چه آن که گفته شده: ﴿وَ اَغْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَ الْجَارِ الْجُنْبُ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ﴾ (نساء/۲۶)؛ و خدا را پرستید و هیچ چیز را شریک او قرار ندهید، و به پدر و مادر نیکی کنید و همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان، و همسایه نزدیک، و همسایه دور (نیکی کنید).

در این آیه از دو نوع همسایه تحت عناوین «الجار ذی القربی» و «الجار الجنب» سخن گفته شده است. در خصوص مفهوم عناوین یاد شده دیدگاه‌های چندی به چشم می‌خورد. برخی از مفسران عنوان اول را به معنای همسایه نزدیک از نظر مکان یا دین یا نسبت و عنوان دوم را به معنای همسایه دور از محل یا نسب یا دین دانسته‌اند (سائنس، بی‌تا، ص ۲۸۹؛ حقی بروسوی، بی‌تا، ۳۸۷/۶ و مصطفوی، ۱۳۸۰ش، ۳۶۷/۵). دور یا نزدیک به هر معنایی که گرفته شوند، نشان‌گر دو نوع همسایه خواهد بود.

بر فرض که منظور از دور بودن همسایه دور بودن به لحاظ مکانی و از خانه باشد (چنانچه روایات بیان کننده محدوده همسایه، همچون روایاتی که از چهل ذراع و مشابه آن سخن می‌گویند نیز آن را تأیید می‌کنند)، در آیه به حق «همسایگان دور» تصریح شده است، زیرا کلمه همسایه معمولاً مفهوم محدودی دارد، و تنها همسایگان نزدیک را در بر می‌گیرد، لذا برای توجه دادن به وسعت مفهوم آن از نظر اسلام از همسایگان دور نیز نام برده شده است. چنانچه منظور از دور بودن همسایه، همسایگان غیر مسلمان باشند، در این صورت همان گونه که گذشت باید پذیرفت که حق جوار (همسایگی) در اسلام منحصر به همسایگان مسلمان نیست و غیرمسلمانان را نیز شامل می‌شود. البته آنها بی که با مسلمانان سر جنگ داشته باشند، از بحث یاد شده خارج خواهند بود.

براساس دیدگاه‌های گوناگون در مورد مفهوم دو عنوان یاد شده می‌توان به چند نوع همسایه باور داشت، که عبارتند از:

۱. همسایه مسلمان و خویشاوند؛
۲. همسایه مسلمان و غیر خویشاوند؛
۳. همسایه کافر و خویشاوند؛
۴. همسایه کافر و غیر خویشاوند.

برخی براساس آیه مورد بحث، هر فردی که در صنعت یا درس یا مسافرت مجاور انسان باشد را همسایه به حساب آورده و اشاره نموده‌اند که فردی در هواپیما یا اتومبیل در کنار صندلی انسان قرار دارد، همسایه تلقی می‌شود. در چنین تفسیری، «الجار الجنب» به همسفر تفسیر شده است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴ش، ۵۶۷/۴).

## ۲. انواع همسایه به لحاظ حقوقی که ایشان دارند:

براساس تصریح پاره‌ای از روایات، همسایگان به انواعی تقسیم می‌شوند، چنانچه در روایتی از پیامبر ﷺ آمده است: «الجیران ثلاثة فجار له ثلاثة حقوق حق الجوار و حق القرابة و حق الإسلام و جار له حقان حق الجوار و حق الإسلام و جار له حق واحد و هو المشرك من أهل الكتاب» (فیض، ۱۴۰۶ق، ۴۹۱/۵)؛ همسایگان سه دسته‌اند: همسایه‌ای که حق دارد که عبارتند از حق همسایگی، حق خویشاوندی و حق اسلام، و (دسته دوم) همسایه‌ای است که دو حق دارد که عبارتند از حق همسایگی و حق اسلام و (دسته سوم) همسایه‌ای است که یک حق دارد و آن مشرک از اهل کتاب می‌باشد.

براساس تقسیم‌بندی مکانی همسایه، همسایگانی که در فاصله نزدیک‌تری از خانه انسان قرار دارند نسبت به همسایگانی که در فاصله دورتری از آن هستند حق بیشتری دارند، از همین روی همشهری که در سرزمین غربت قرار دارد، به دلیل حق همسایگی حکم نزدیک در وطن را دارد. برخی روایات نیز اقرب بودن

همسایه نزدیک‌تر را به لحاظ مکانی تأیید می‌کنند، چنانچه نقل شده است که مردی از مسلمانان به رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> عرض کرد من دو همسایه دارم به کدامیک از آن دو هدیه بدهم؟ حضرت فرمود: «الی اقربهما منک باباً و اوجبهما عندك رحمة فات استويا في ذلك فالى احسنهما مجاورة»؛ به آن همسایه که درب خانه‌اش به تو نزدیک‌تر است و آن خویشاوندی که واجب‌تر است. چنانچه هر دو در این خصوص مساوی باشند، به آن کس که همسایگی بهتری دارد (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۴۲۶/۸).

### ۳. همسایه خوب و بد:

اسلام از یک سو توصیه‌های مکرر نسبت به رعایت حقوق و احترام به همسایگان دارد، در عین حال در کتب روایی تحت عنوان «باب کراهة مجاورة جار السوء» همسایگی افراد بد مکروه دانسته شده و در انتخاب خانه و محل زندگی به تحقیق درباره همسایه توصیه گردیده و گفته شده است: «الجار ثم الدار» (همان، ۴۳۰/۸). از همین روی می‌توان به تقسیم‌بندی دیگری از همسایه باور داشت که در آن همسایه به دو نوع خوب و بد تقسیم می‌شود.

براساس این تقسیم‌بندی همسایه خوب همسایه‌ای است که به موجب روایات موجب آبادانی آبادی‌ها و افزایش عمر بوده و آرامش درونی را موجب می‌گردد و فواید دیگری بر وی مترتب است. از چنین همسایه‌ای به عنوان «جار الصالح» تعبیر شده، چنانچه رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> فرموده‌اند: «مِنْ سَعَادَةِ الْمُسْلِمِ سَعَةُ الْمَسْكَنِ وَ الْجَارُ الصَّالِحُ وَ الْمَرْكُبُ الْهَنْيُ»؛ از جمله سعادت مسلمان داشتن مسکن وسیع، همسایه خوب، و مرکب راحت می‌باشد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۳۰۱/۵). در مقابل، همسایگی با همسایه بد موجب بدیختی دانسته شده و از همین روی همسایگی با او مکروه تلقی شده در روایات از آن به «جار السوء» تعبیر گردیده و گفته شده است: «مِنَ الْقَوَاصِمِ الَّتِي تَقْصِمُ الظَّهْرَ جَارُ السَّوْءِ إِنْ رَأَى حَسَنَةً أَخْفَاهَا وَ إِنْ رَأَى

سینهٔ افشاها»؛ همسایه بد از جمله اموری است که کمرشکن است. چنانچه کار خوبی از همسایه خود بیند آن را می‌پوشاند و چنانچه کار بدی از وی بیند، آن را آشکار می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۳۱/۱۲). از همین روی در روایات معصومین ﷺ از شر چنین همسایه‌ای به خدا پناه برده شده است (همان).

### ۳. امام سجاد و همسایگان

بی‌تر دید پس از اجتماع کوچک خانواده، که مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهاد تشکل اجتماعی به شمار می‌رود، و از همین روی اسلام با طرق گوناگون در تحکیم آن کوشیده است، افرادی که در محله‌ای گرد هم می‌آیند و با یکدیگر همسایه‌اند جامعه نسبتاً کوچکی را تشکیل می‌دهند که وحدت و وفاق و نیز معاشرت‌های گرم و متقابل آنان می‌تواند استواری و استحکام این جمع را تضمین کند و نیز آثار مفید آن همچون جویباری به جامعه بزرگ‌تر طراوت و تازگی را انتقال دهد. از همین روی اسلام با طرق گوناگون، همچون بیان حقوق همسایگان و توصیه به رعایت آن حقوق و نیز دعا در حق ایشان در ایجاد محبت، همدلی، وفاق و انس و الفت بین ایشان کوشیده است.

امام سجاد علیه السلام علاوه بر آن که به تأسی از قرآن و پیامبر ﷺ و علی علیه السلام به رابطه نیکو با همسایگان و رعایت حقوق ایشان سفارش فرموده‌اند در حق همسایگان دعا فرموده و برای ایشان آرزوهای خوب کرده و نیکی‌ها را طلب نموده و آدابی را برای همسایه‌داری بیان فرموده‌اند که خود می‌تواند در جامعه امروز که سخت به پای‌بندی نسبت به اخلاقیات و انواع اخلاقی کاربردی اسلامی نیازمند است بسیار مفید و راه‌گشا باشد.

#### ۳.۱. اهمیت و نقش همسایگان

از موارد چندی از سخنان امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه می‌توان به نقش و اهمیت همسایگان در جوامع و خانواده‌ها پی برد. از جمله:

## ۱. همراه کردن دعای بر همسایگان با دعای بر خانواده:

﴿۱۰۹﴾

هر چند که برخی از همسایگان علاوه بر همسایگی، خویشاوند نیز هستند، اما همان گونه که در عنوان «الجارالجنب» گذشت، برخی از همسایگان بیگانه هستند و خویشاوندی ندارند. در برخی موارد امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> همسایگان را با خویشان همراه نموده و برای هر دو دعا نموده‌اند، که خود به نوعی به تغابر آن دو و اهمیت آنها اشاره دارد، چنانچه فرموده‌اند: «بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست، و پدران ما را و مادران ما را و فرزندان ما را و خانواده ما را و خویشاوندان ما را و نزدیکان ما را و همسایگان ما مردان مؤمن و زنان مؤمنه را از گزند شیطان در ملاذی منیع و ملجأی رفیع و پناهگاهی استوار جای ده و برای پیکار با او سپرهايی نگهدارنده و شمشيرهايی برنده عطا فرما» (حسینی مدنی شیرازی، ۱۴۱۱ق، ۱۷۲/۳).

همراه کردن دعای بر همسایه با دعای بر خویشان با توجه به شأن ورود حدیث «الجار ثم الدار» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ۱۱۳/۷)، منقول از حضرت زهراء<sup>علیها السلام</sup> اهمیت خاص می‌یابد، زیرا به حضرت زهراء<sup>علیها السلام</sup> گفته شده است شما برای خودتان دعا نمی‌کنید، اما برای مردم دعا می‌کنید. حضرت فرموده‌اند اول دعا برای همسایه بعد دعا برای اهل خانه، بدیهی است که اهل خانه از خویشان نزدیک آن حضرت بودند، که از آنها به خود تعبیر شده است.

همراه کردن دعای بر همسایه با دعای بر خانواده از یک سو نشان دهنده نقش و اهمیت هر یک از آن دو در ایجاد روان و محیط سالم می‌باشد و از طرفی نشان می‌دهد که دعای افراد خانواده و نیز همسایگان در حق یکدیگر در ایجاد انس و الفت و محبت بین ایشان تأثیرگذار است. از همین روی در قرآن و صحیفة سجادیه بارها از زبان اعضای خانواده در حق یکدیگر دعا شده است.

## ۲. همراه کردن دعای بر همسایگان با دعای بر دوستان:

با توجه به نقش و اهمیت دوستی و رابطه نزدیک‌تری که افراد در قالب دوستی با

هم دارند و نیز نقش دوستان در جامعه و محیط سالم، امام سجاد علیه السلام برای همسایگان و دوستان مواردی همچون به پا داشتن سنت، فراگیری رهنمودهای خداوند و... را از خداوند طلب و آرزو نموده‌اند، آنجا که فرموده‌اند: «بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا یاری فرما که حق آن گروه از همسایگان و دوستان خود را که حق ما را می‌شناسند و با دشمنان ما دشمنی می‌ورزند به وجهی نیکوتر بگرام (آیتی، ۱۳۷۵ش، ص ۱۷۰).

در جای دیگر، امام علیه السلام از خداوند خواسته‌اند که پدران، مادران، فرزندان، خانواده‌ها و خویشان و نزدیکان و همسایگان را از گزند شیطان مصون دارد: «بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست، و پدران ما را و مادران ما را و فرزندان ما را و خانواده‌های ما را و خویشاوندان ما را و نزدیکان ما را و همسایگان ما مردان مؤمن و زنان مؤمنه را از گزند شیطان در ملاذی منیع و ملجأی رفیع و پناهگاهی استوار جای ده و برای پیکار با او سپرهایی نگهدارنده و شمشیرهایی برنده عطا فرما» (مدنی شیرازی، ۱۴۱۱ق، ۱۷۳/۳).

در جای دیگر فرموده‌اند: «ای خدا نزد آن همسایه که گناهان خود از او پوشیده می‌داشم و آن خویشاوند که در اعمال نهانی خود از او شرم می‌داشم در پناه خود دار» (آیتی، ۱۳۷۵ش، ص ۲۱۰).

### ۳.۲. آداب همسایه‌داری

نظر به اهمیت همسایه و تأکید اسلام بر رعایت حقوق همسایگان، و نظر به این که رعایت حق همسایه علاوه بر تأمین آسایش وی موجب آرامش فکری روان و راحتی جسمی برای مراعات کننده است، امام سجاد علیه السلام علاوه بر رساله حقوق، در صحیفة سجادیه حقوقی را برای همسایگان بیان فرموده‌اند. حضرت در رساله حقوق، پنجاه و یک حق را مطرح فرموده‌اند که هر انسانی ملزم به رعایت آنان است. ایشان در قسمتی از رساله مزبور از حق همسایه سخن گفته و فرموده است: «وَ أَمَّا حَقُّ الْجَارِ فَحَفِظْهُ غَائِبًا وَ إِكْرَامَهُ شَاهِدًا وَ نُصْرَتُهُ إِنْ كَانَ مَظْلُومًا وَ لَا تَتَّبَّعْ

لَهُ عَوْرَةٌ فِإِنْ عَلِمْتَ عَلَيْهِ سَوءَ سُرْتَهُ عَلَيْهِ وَ إِنْ عَلِمْتَ أَنَّهُ يَقْبَلُ نَصِيحَتَكُ نَصْحَتَهُ  
فِيمَا بَيْنَكُ وَ بَيْنَهُ وَ لَا تَسْلِمْهُ عِنْدَ شَدِيدَةٍ وَ تَقْبَلْ عَثْرَتَهُ وَ تَعَاشِرْهُ مَعَاشَرَةً كَرِيمَةً»؛  
اما حق همسایه آن است که در غیاب وی او را نگاهبان باشی و در حضورش او  
را عزیز و گرامی داری و در جستجوی زشتی‌های مخفی وی بر نیایی. پس اگر  
بر بدی و ناروایی از او آگاه گشته آن را پوشانی و اگر احتمال تأثیر اندرز  
می‌دهی او را نصیحت کنی، و در سخنی‌ها او را رهانکنی و از خطأ و لغش وی  
در گذری و گناهش را بیخشی و با او بزرگوارانه معاشرت کنی (صدقه قمی،  
۱۴۱۳ق، ۶۲۲/۲).

اسلام دریافته که چنانچه بین بستگان و همسایگان مودت و محبت و رابطه  
عاطفی برقرار نباشد، هر خانواده اولین ضربه را از همسایه خود می‌خورد، زیرا هر  
همسایه‌ای می‌تواند به آسانی از ویژگی‌های همسایه دیگر، مثل ساعت ورود و  
خروج و بلکه راه‌های دستبرد و... آگاهی یابد و آن گاه به همسایه ضربه بزند. از  
این رو در فرض عمل به دستورات اسلام در خصوص همسایگان هر فرد در در  
محکمی از چهار طرف قرار خواهد گرفت که نسبت به همسایه امین و خدمت  
گزار بوده و زیان و سود وی را از خود می‌دانند. با توجه به همین نکته در روایات  
به طور مکرر بر نقش خوش همسایگی در آبادانی محیط‌های زندگی و افزایش  
عمر تأکید شده است؛ چنانچه امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «*حَسْنُ الْجُوَارِ يَعْمَلُ  
الْدِيَارَ وَ يَزِيدُ فِي الْأَعْمَارِ*» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶۶۷/۲). و در پاره‌ای روایات به  
نقش یکسان خوش خلقی و خوش همسایگی و صلة رحم در آبادانی محیط‌های  
زندگی و افزایش عمر اشاره شده است: «*صَلَةُ الرَّحْمِ وَ حُسْنُ الْجُوَارِ يَعْمَلُانِ  
الْدِيَارَ وَ يَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ*» (همان، ۱۵۲/۲). از همین روی چنانچه از عبارات  
امام سجاد علیه السلام بر می‌آید موارد ذیل از وظایف و آداب همسایگی تلقی شده‌اند:  
۱. حفظ همسایه در غیاب وی، یعنی اموال و آبروی همسایه را حفظ نموده و  
از رسیدن امور ناخوشایند به وی جلوگیری کنند. از همین روی از حضرت

علی ﷺ مروی است که پیامبر ﷺ به مهاجرین و انصار نوشت که همسایه آدمی مانند نفس او است در آن که اضرار نفس وی حرام و حفظش واجب است (شفقی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ص ۵۰).

۲. در هنگام حضور همسایه او را گرامی دارند.

۳. چه در هنگام حضور و چه در هنگام غیبت همسایه، او را نصرت و یاری دهند.

۴. نقاط ضعف و عیوب همسایه را دنبال و تجسس نکنند، زیرا اسلام از همسایه می‌خواهد که از هر چه با محبت و عاطفه سازگاری ندارد دور شود و با همنوع خود با چهره‌ای گشاده و دلی پاک روبرو گردد و از هر چه موجب سوء ظن است پرهیزد، چه آن که این امر موجب دوری مردم از یکدیگر می‌شود و با دعوت اسلام به انس و الفت و محبت سازگاری ندارد.

۵. کار زشتی که از همسایه سر زده را پوشانده و از نشر و پخش آن در بین مردم جلوگیری کنند.

امام باقر علیه السلام فرموده: «من القواسم الفواجر التي تقصم الظهر جار السوء ان رأى حسنها خفاها و ان رأى سبيئه افشاها»؛ یکی از چیزهایی که کمر انسان را خرد می‌کند همسایه بد است که اگر خوبی ببیند پنهان می‌کند و اگر بدی ببیند افشاء می‌کند (کلینی ۱۴۰۷ق، ۶۶۸/۲). این حدیث نشان‌گر آن است که یکی از امور مهم همسایه‌داری پنهان کردن سر و افشار نیکی‌هاست که اگر مورد غفلت واقع شود، می‌تواند بسیار آزار دهنده باشد.

۶. در هنگام پیش آمدن گرفتاری یا درد همسایه را رها ننموده و وی را به خاطر آن گرفتاری و درد با مال و جان یاری دهند، چنانچه رسول خدا ﷺ در خصوص حق همسایه فرموده‌اند: «اگر بیمار شود، او را عیادت کنی و اگر بمیرد، او را مشایعت کنی و اگر از تو قرض خواست به او قرض بدھی و اگر خطایی از وی سر زند آن را بپوشانی؛ إن مرض عدته و إن مات شیعته و إن استقرضك أقرضته و إن اعور سترته» (فخر رازی، ۱۴۲۱ق، ۷۸/۱۰).

۸ در هنگامی که خداوند به همسایه نعمتی عطا نموده به خاطر آن نعمت به وی حسد نورزند، در همین باره علی‌الله فرموده‌اند: «الفقر خیر للمؤمن من حسد الجيران و جور السلطان و تملق الاخوان»؛ برای مؤمن، فقر بهتر است از حسد همسایگان، ستم پادشاه و چاپلوسی برادران (حلی اسدی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۰۷).

۹. لغرض‌ها و اشتباهات همسایه را چشم پوشی نموده و بیخشنده.

۱۰. چنانچه از همسایه کار زشتی که موجب خشم می‌شود سر زند حلم و بردباری نشان داده و مقابله به مثل نکنند. از همین روی از امام موسی کاظم علی‌الله نقل شده که فرموده‌اند: «لیس حسن الجوار کف الأذى عن الجار و لكن حسن الجوار صبرک على الأذى»؛ نیک همسایگی کردن به خودداری از اذیت همسایه نیست، بلکه نیک همسایگی کردن صبر بر آزار همسایه است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶۶۷/۲).

۱۱. جلو دشتمان به همسایه و بدگویی از وی را بگیرند.

۱۲. هرگاه کسی برای ایجاد دشمنی و کینه درباره همسایه بدگویی کند، به بدگویی وی اعتنا ننموده و آن را تصدیق نکنند.

۱۳. با همسایه معاشرت خوب داشته باشند. از همین روی از پیامبر ﷺ مروی است که «أَحْسِنْ مَجَاوِرَةً مِنْ جَارِكَ تَكُنْ مُسْلِمًا»؛ نیک همسایه‌داری کن تا مسلمان باشی (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۴۲۶/۸).

۱۴. در صورت احتمال تأثیر، همسایه را نصیحت نموده و پند و اندرز دهنند. رعایت حقوق یاد شده علاوه بر بهداشت روانی و ایجاد مدینه فاضله و رواج انس و الفت و عواطف انسانی در جامعه اسلامی موجب اتحاد و وحدت آحاد جامعه خواهد بود و در آخرت نیز می‌تواند برای افراد راه گشا باشد. پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «مَنْ مَاتَ وَلَهُ جِيرَانٌ ثَلَاثَةٌ كُلُّهُمْ رَاضُونَ عَنْهُ غُفَرَ لَهُ»؛ هر که بمیرد و سه همسایه داشته باشد که همه از وی راضی باشند، مورد غفران و بخشش خداوند قرار خواهد گرفت (همان، ۴۲۲/۸).

### ۳.۳ آداب همسایه‌داری در دعای بیست و ششم

با توجه به اهمیت همسایگان و نقش و تأثیر ایشان در خانواده‌ها و نیز جوامع بزرگ، امام سجاد علیه السلام علاوه بر رساله حقوق در ضمن دعای بیست و ششم صحیفه سجادیه نکات مهمی را در خصوص همسایگان یادآور شده‌اند. حضرت علیه السلام در قسمت نخست این دعا ضمن درود بر محمد علیه السلام و خاندان آن حضرت از خداوند خواسته‌اند که ایشان را درباره همسایگان و دوستانی که حقوق ایشان را شناخته و به آن پایبند بوده و دشمنانی که با وجود شناخت خاندان آن حضرت با ایشان به مخالفت برخاسته‌اند به بهترین شکل سرپرستی نموده و امور آن حضرت را عهده‌دار شود؛ «اللهم صل علی محمد و آلہ و تولنی فی جیرانی و موالی العارفین بحقنا و المناذین لاعدائنا بافضل ولايتک».

امام سجاد علیه السلام در دعای یاد شده مواردی را به عنوان آداب همسایه‌داری برشمرده‌اند. از جمله: آرزوی موفق شدن همسایگان و دوستان در اقامه سنن و اخذ آداب نیک اسلامی؛ «وفقهم لاقامة سننک و الاخذ بمحاسن لدیک». حضرت ضمن دعا و آرزوی یاد شده مواردی از آداب و سنن اسلامی را برشمرده‌اند، که می‌توانند از آداب همسایگی نیز تلقی شوند، از جمله:

#### ۱. مدارا کردن با ضعفای جامعه «ارفاق ضعیفهم»:

از آنجا که گوارا بودن زندگی عمومی و پیدایش امنیت، از بین بردن فساد از ناحیه فقرا و حل مشکل تهییدستان از مشکلات اساسی جوامع است، امام علیه السلام به احوال ضعفا توجه نموده و از خداوند خواسته‌اند که مردم را طوری قرار دهد که با ضعفا به رفق و مدارا رفتار کرده و نسبت به احوال آنها بی‌اعتنای باشند.

۲. آرزوی کوشش افراد در رفع نیازهای ضعفای جامعه «سد خلتهم»، خلة، به فتح خاء به معنای نیاز، فقر و احتیاج بوده و منظور از «سد» جبران و از بین بردن آنها می‌باشد. از آنجا که همسایگان از افراد جامعه بوده و چه بسا در شهرهای کوچک، همه شهروندان و افراد جامعه همسایه محسوب می‌شوند، رسول

خدا<sup>عَزِيزُهُ وَكَرِيمُهُ</sup> فرموده‌اند: «ما آمن بالله وَ الْيَوْمُ الْآخِرُ مِنْ بَاتِ شَبَّاعٍ وَ جَارِهِ جَائِعٍ»؛ به خدا و روز قیامت ایمان نیاورده آن کس که سیر بخوابد در حالی که همسایه‌اش گرسنه است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۵/۲۷۳).

۳. عیادت از مریض‌ها و عبادت مریض‌هم» این امر در سخن رسول خدا<sup>عَزِيزُهُ وَ كَرِيمُهُ</sup> به عنوان یکی از حقوق همسایگان تلقی شده است، آنجا که فرموده‌اند: «ان مرض عدته؟؛ اگر بیمار شد، او را عیادت کنی (ری شهری، ۱۳۷۵ش، ۴۸۸/۱). از این رو می‌توان از آن به عنوان یکی از آداب همسایه‌داری تعبیر نمود.

ابن اثیر گفته: «هر که چند بار به نزد تو بیاید، وی عیادت کننده است، هر چند که مشهور شده که در عیادت مریض شهرت یافته به گونه‌ای که گویا به مریض اختصاص دارد» (ابن اثیر، ۱۳۶۶ش، ۳/۳۱۷).

عيادت از بیمار نوعی کمک به بیمار و بهبودی وی بوده و در تحریک عواطف وی نقش دارد و از افتخارات فرهنگ اسلام است. یکی از ایرانیان بستری شده در یکی از بیمارستان‌های اروپایی نقل کرده است که دوستان ایرانی با دسته گل مرتب به عیادت من می‌آمدند، مریضی که در نزدیک من بستری بود و حال خوشی هم نداشت با تعجب پرسید: «این همه آمد و شد در روز ملاقات برای چیست؟» گفتم: «این دستور مذهب ماست». او به شدت متأثر و چشمانش اشک آلود شد و گفت: «من دو پسر دارم که پس از مدت‌ها که فهمیده‌اند من بیمارم به بیمارستان آمده و از پزشک معالج حالم را پرسیده‌اند. پزشک گفته: وی خوب شدنی نیست، آنها را روی کارتی نوشته‌اند: «پدر متأسفانه دکتر تو چنین گفت و ما هم دیدیم که ملاقاتمان مفید نیست و موجب اتلاف وقتمان می‌باشد، لذا از شما خدا حافظی می‌کنیم» (ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۸ش، ۲/۴۵۳).

۴. هدایت طالبان نصیحت «هدایة مسترشدهم»:

۵. پاسخ خیرخواهانه و ناصحانه به مشورت کنندگان «مناصحة مستشيرهم»: بدیهی است که نصیحت مشفقاته و مشاوره، استفاده فرد از عقل دیگران است که

موجب ظهور بهترین فکر خواهد بود.

۶. دیدار از سفر رسیده‌ها «تعهد قادمه‌هم»:

۷. حفظ اسرار همسایگان «کتمان اسرارهم»: از همین روی در روایات از آن به عنوان یکی از بدی‌های دنیا و آخرت تعبیر شده است. علی علیه السلام فرموده‌اند: «جمع خیر الدنيا و الآخرة في كتمان السر و مصادقة الأخيار و جمع الشر في الازعاء و مؤاخاة الأشرار»؛ خوبی‌های دنیا و آخرت در پوشاندن سر و راز و دوستی با خوبیان جمع شده است و بدی‌های دنیا و آخرت در پخش کردن سر و راز و دوستی با بدان جمع شده است (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۳۲۸/۸ و ۹/۳۴).

بدیهی است که روابط طولانی و چندین ساله همسایگان با یکدیگر موجب می‌شود که اطلاعات زیادی نسبت به هم پیدا کنند و پخش آن اطلاعات می‌تواند موجب کینه و دشمنی و اختلاف شود.

۸. جدی بودن در پوشاندن عیوب همسایگان «ستر عوراتهم»: به طور کلی پوشاندن عیوب هر فردی در فرهنگ اسلام توصیه و نسبت به پخش عیوب و نقاط ضعف دیگران هشدار داده شده است، اما این امر در خصوص همسایگان، که روابط ویژه و نزدیک‌تری دارند اهمیت بیشتری دارد. رسول خدا علیه السلام فرموده‌اند: «لَا يُسْتَرِ عَبْدٌ أَبْدًا فِي الدُّنْيَا إِلَّا سُتُّرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ بندهای عیب بنده دیگری را در دنیا نمی‌پوشاند، مگر آن که خداوند در روز قیامت عیوب وی را می‌پوشاند (المتقى الهندي، بی تا، ۳/۲۴۸).

۹. یاری از مظلومان «و نصرة مظلومهم»: این امر تا آنجا اهمیت دارد که در متون اسلامی به صور گوناگون مورد تأیید و تشویق واقع شده است. علی علیه السلام فرموده‌اند: «احسن العدل نصرة المظلوم»؛ بهترین عدالت یاری مظلوم است (ری شهری، ۱۳۷۵ش، ۲/۱۷۸).

۱۰. در شرایط سخت از رفع نیاز مظلومان دریغ نورزیدن «حسن مواساتهم بالماعون»: منظور از ماعون که در عبارت امام سجاد علیه السلام و نیز در آیه «یَمْنَعُون

المعون» (المعون/۷) از آن سخن گفته شده است، دادن وام، اثاثیه منزل، زکات، رسیدگی به خویشاوندان و هر نوع نیکی به نزدیکان و دیگران است. چنانچه امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه مزبور فرموده‌اند: «وَ يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ، قال: «هُوَ الْقَرْضُ يَقْرَبُهُ، وَ الْمَعْرُوفُ يَصْطَدُعُهُ، وَ مَنَعَ الْبَيْتَ بِعِيرَهُ، وَ مِنْهُ الزَّكَاةُ». فَقَلَّتْ لَهُ: إِنْ لَنَا جِيرًا إِذَا أَعْرَنَاهُمْ مَنَاعًا كَسْرُوهُ وَ أَفْسَدُوهُ، فَعَلَيْنَا جَنَاحٌ أَنْ نَمْنَعَهُمْ؟ فَقَالَ: «لَا، لَيْسَ عَلَيْكُمْ جَنَاحٌ أَنْ تَمْنَعُوهُمْ إِذَا كَانُوا كَذَلِكَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳/۴۹۸).

۱۱. برخورد پیوسته با نیکویی با مظلومان جامعه «العود عليهم بالجدة».

۱۲. سرکشی از مظلومان با گشایش دست و کرم و بخشش به ایشان «و الافضال».

۱۳. تأمین حاجات و نیازهای ضروری مظلومان پیش از آن که آنها چنین درخواستی کنند «اعطاء ما يجب لهم قبل السؤال».

در قسمت‌های پیش، حضرت مردم را به حسن ادب و پیروی سنت دعوت فرموده‌اند که به نوعی برخی از آداب همسایگی را نتیجه می‌دادند، اما در قسمت و فراز بعد دعای مورد بحث آدابی را بیان فرموده‌اند که مریبان و مدیران جامعه حتماً باید آنها را رعایت کنند تا بتوانند خدمات شایسته‌تری را انجام دهند. بدیهی است تا انسان شخصیت اجتماعی قابل اعتمادی پیدا نکند، پذیرش و فراغیری مردم کم رنگ‌تر و اثربخشی آن بی‌پایه‌تر خواهد بود، از آنجا که این افراد مقدار زیادی از اوقاتشان را در جامعه به عنوان همسایه سپری می‌کنند، بدیهی است که موارد توصیه شده به این نوع افراد، به ویژه با توجه به آن که به عنوان دعا و آرزوی خوبی‌ها برای همسایگان بیان شده‌اند، می‌توانند از آداب همسایگی نیز تلقی شوند، از جمله:

۱۴. احسان به همسایگانی که بدی کرده‌اند «اجْعُلْنِي اللَّهُمَّ أَجْزِي بِالْإِحْسَانِ مُسِيَّهِنَّ»؛ بار خدایا مرا برابر آن دار که بدکردارشان را به نیکی پاداش دهم. در متون اسلامی از احسان به عنوان یکی از اسباب محبت و جلب قلوب سخن به

میان آمده است. از جمله سخن علی‌علیہ‌السلام که فرموده‌اند: «الانسان عبید الاحسان»؛<sup>۱</sup> انسان بندۀ احسان است (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ش، ص۶۱). و نیز فرموده‌اند: «احسن الى المسىء تملکه»؛ به کسی که به توبّدی کرده احسان کن تا مالک وی شوی (فیض کاشانی، ۱۴۱۰ق، ص۲۰۱). و نیز «سبب المحبة الاحسان»؛ احسان سبب محبت است (همان).

به طور کلی احسان به همسایه در سخن پیامبر ﷺ نیز توصیه و سفارش شده است. ایشان فرموده‌اند: «من کان یؤمن بالله و اليوم الآخر فليحسن الى جاره»؛ هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید به همسایه‌اش احسان کند (البغوی، بی‌تا، ۱۴۳/۱). این توصیه در مورد انصار نیز صورت گرفته است که به نوعی نشان از ایجاد محبت و انس و الفت دارد (الجکنی الشنقطی، ۱۴۱۵ق، ۴۴/۸). علی‌علیہ‌السلام فرموده‌اند: «رسول خدا ﷺ میان مهاجر و انصار و دیگر اهل مدینه که به آنها ملحق بودند نوشت: همسایه آدمی مثل خود اوست که باید به او ضرر نرساند و او را به گناه نیفکند و حرمت همسایه بر همسایه مثل حرمت مادر است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶۶۵/۲).

احسان مصادیق زیادی دارد، که از جمله آنها تسلیت گویی به همسایه مصیبت دیده، تبریک به همسایه‌ای که به موقفیتی دست یافته، عیادت از همسایه بیمار، گشاده رویی و دیگر کارهای خوب را می‌توان مورد اشاره قرار داد. دعا در حق همسایگان و طلب آمرزش برای ایشان نیز از جمله مصادیق احسان است، چه آن که علاوه بر دعای همسایگان توسط امام سجاد علی‌علیہ‌السلام، که به نوعی احسان و خوب بودن آن را نتیجه می‌دهد، روایت شده که رسول خدا ﷺ از مردی شنیده که می‌گوید: «اللهم اغفر لى و لفلان»؛ خدایا من و فلانی را بی‌امز. حضرت از ایشان پرسیدند: فلانی کیست؟ گفت: همسایه‌ام است که از من خواسته برایش دعا کنم، حضرت فرمودند: «قد غفر لك و له» (ابو نعیم اصفهانی، ۱۴۰۵ق، ۳۵۲/۳).

از جمله دلایل احسان به همسایگان آن است که در آیه ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنْبُ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ﴾ (نساء ۲۶)، با توصیه به عبادت خدا و احسان به والدین همراه شده است. همچنین حضرت علی علیہ السلام پیروان خویش را افرادی می‌دانند که موجب برکت همسایگان باشند و ایمن بودن همسایه فرد را از نشانه‌های مؤمنین و متقین دانسته و فرموده‌اند: «امناً منه جاره» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۱۵۵/۴).

۱۵. عفو و گذشت از همسایگان ستمکار: **أُغْرِضُ بِالْتَّجَاهُونَ عَنْ ظَالِمِهِمْ؛** بار خدایا مرا برعایت آن دار که از ستمکارشان به عفو و بخشش در گذرم. عفو و گذشت یاد شده و نیز احسان در قسمت قبل از شریف‌ترین و بهترین مکارم اخلاقی تلقی شده‌اند. در متون اسلامی اعم از قرآن و روایات به نقش و اهمیت عفو به عنوان یکی از فضایل اخلاقی مهم اشاره شده است. از جمله: «العفو لا يزيد العبد إلا عزّاً فاعفوا يعزّكم الله»؛ عفو جز به عزت بنده نمی‌افزاید، پس عفو کنید تا خدا شما را عزیز کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱۰۸/۲). پیامبر علیہ السلام فرموده‌اند: «الا ادلکم بافضل اخلاق اهل الدنيا والآخرة تصل من قطعك و تعطى من حرمك و تعفو عنّك ظلمك»؛ آیا شما را راهنمایی نکنم به بزرگ‌ترین اخلاق اهل دنیا و آخرت؟ پیوند پیدا کنی با کسی که از تو بریده و عطا کنی به کسی که تو را محروم نموده و عفو کنی آن که را به تو ظلم نموده است (همان، ۱۰۷/۲).

۱۶. حسن ظن به همسایگان: **وَأَسْتَعْمِلُ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافِئَتِهِمْ؛** خدایا مرا برعایت آن دار که در مورد همه همسایگان خوش گمان باشم. سوء ظن به همسایگان و دیگر آحاد جامعه اسلامی موجب از بین رفتن محبت و انس و الفت می‌شود. از همین روی به صور گوناگون ضمن تشویق به حسن ظن در مورد اقوال و افعال دیگران از حسن ظن پرهیز داده شده است؛ چنانچه گفته شده است: «ضع امر أخیک علی احسنه حتى يأتيک ما يغلبك منه، ولا تظنن بكلمة خرجت منْ

أَخِيكَ سُوءً وَ أَنْتَ تَجْدُلُهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمِلاً؛ كار برادرت را به بهترین شکل توجیه کن تا کاری کند که راه هر نوع توجیه خوب را برو تو بیندد، و به سخنی که از دهان برادرت خارج شده در حالی که تو برای آن سخن در خوبی توجیهی می یابی، گمان بد نبر (همان، ۳۶۲/۲).

۱۷. سرپرستی یا یاری همه همسایگان در کارهای نیک: «أَتَوَلَّى بِالْبَرِّ عَامَّهُمْ؟» بار خدایا مرا برا آن دار که با نیکویی همه همسایگان را سرپرستی کنم. سید علی خان در معنای «بر» گفته است: «بر به معنای مهریانی، پیوند، خوبی و گسترش در احسان است» (مدنی شیرازی، ۱۴۱۱ق، ۱۶۷/۴)، اما همان گونه که در تفسیر آیه ﴿وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدُونَ﴾ (مائده/۲) بیان شده است. «بر» مفهوم وسیع تر و گسترده‌تری دارد، به گونه‌ای که شامل همه کارهای خوب اعم از واجب و مستحب می‌گردد (طیب، ۱۳۷۸ش، ۲۹۴/۴).

در خصوص حمله امام علیؑ دو تفسیر بیان شده است. براساس یک تفسیر منظور از جمله یاد شده آن است که امام علیؑ از خداوند خواسته‌اند که همه همسایگان را در مورد کارهای خوب و مهریانی و احسان به ایشان امداد و یاری رساند، و براساس تفسیر دیگر منظور از جمله یاد شده آن است که حضرت از خداوند خواسته‌اند که در خصوص کارهای خوب، پیوند، مهریانی و گسترش احسان به همه همسایگان کارهای مربوط به آنها را سرپرستی کنند (همان). مهم آن است که براساس هر دو تفسیر نیکی و کار خوب در مورد همسایگان از آداب همسایه‌داری برشمرده شده است.

۱۸. عفت چشم در مورد همسایگان یا تحمل نقاط ضعف ایشان: «اغض بصرى عنهم عفة»؛ خدایا مرا برا آن دار که نگاه خود را از روی عفت نسبت به همسایگان کوتاه کنم، یا نقاط ضعف همسایگان را تحمل نمایم.

هر چند که برخی از محققان، در تفسیر آیه ﴿فُلِّلِمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾ (نور/۳۱) غض را به معنی ترک گرفته‌اند (فاصل مقداد، ۱۴۱۹ق،

۲۲۰/۲)، اما غض به معنای کوتاه کردن است که هم در خصوص چشم کاربرد دارد و هم در خصوص صدا، اما در آیه و نیز در سخن امام سجاد علیه السلام به قرینه بصر در معنای چشم به کار رفته و کوتاه کردن و مختصر کردن نظر و نگاه را معنی می‌دهد، از همین روی راغب گفته است: «غض نقصان از دید و صدا و آنچه در ظرفی است (خیره نگاه نکردن و صدای آرام و ملایم برآوردن از حلقوم)» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۰۷).

بدیهی است که نگاه غیر مجاز و غیرشرعی با توجه به مفهوم وسیع آن، و گذشته از بار گناهی که دارد موجب به خطر افتادن انس و الفت و مهر و محبت در جامعه است و در خصوص همسایگان با توجه به گستره وسیع نگاه می‌تواند موجب اختلاف و کینه و کدورت و دشمنی بین همسایگان شود. از همین روی هر چند در آیه غض با «من» به کار رفته و تبعیض معنا دادن آن برخی از نگاهها را مستثنی می‌کند، اما کاربرد آن در سخن امام علیه السلام بدون «من» تأکیدی بر دوری از نگاه‌های موجب اختلاف است.

سید علی خان به معنای وسیع غض توجه کرده و گفته است: «يعنى مرا بر آن دار که نگاه خود را از آنچه که نگاه به آن از عیوب یا لغوش‌ها و خطاهای ایشان برایم حلال نیست کوتاه کنم» (مدنی شیرازی ۱۴۱۱ق، ۱۱۱/۴). روایاتی نیز معنای گسترده «غض» را تأیید می‌کنند، از جمله: «عن حذيفة بن منصور، قال: قلت لأبي عبد الله علیه السلام: شيء يقوله الناس عورة المؤمن على المؤمن حرام فقال: ليس حيث يذهبون، إنما عورة المؤمن أن ينزل زلة أو يتكلم بشيء يعاب عليه، فيحفظه عليه ليعيّره به يوماً ما؛ حذيفة ابن منصور گفته است به امام صادق علیه السلام عرض كردم: مردم چیزی می گویند، آنها می گویند عورت مؤمن بر مؤمن حرام است. حضرت فرمود: آن گونه که می گویند نیست، منظور از عورت مؤمن آن است که مؤمن لغزشی پیدا کند یا به آنچه که عیب تلقی می شود تکلم کند، آن لغزش و سخن را در خاطر نگاه دارند تا روزی به خاطر آن وی را سرزنش کنند

(فیض کاشانی، ۱۴۲۵ق، ۷۲۰/۱).

با توجه به روایت یاد شده و روایات مشابه، غض بصر کنایه از آن است که از جمله حقوق همسایگی آن است که همسایه عیوب و لغزش‌های همسایه خود را تجسس و دنبال ننموده و از این کار دوری نماید. براساس برداشتی دیگر می‌توان گفت از جمله حقوق همسایه آن است که همسایه باید کارهای ناپسند همسایه را تحمل کند و به خاطر آنها همسایه خود را سرزنش ننماید. برخی از کتب لغت برداشت دوم را تأیید نموده‌اند، چنانچه واسطی زبیدی گفته است: «غض طرفه: احتمل المکروه» (الزبیدی، بی‌تا، ٦١/٥).

تأیید دیگر برداشت دوم آن که چنانچه در قسمت رساله حقوق گذشت، صبر بر اذیت همسایه از جمله آداب همسایگی تلقی شده است و در کتب حدیثی عنوانی به شکل «یستحب الصبر على اذى الجار» به آن اختصاص یافته است. و از سویی در روایت امام کاظم علیه السلام خوش همسایگی در صبر بر اذیت همسایه دانسته شده است (حر عاملی، ١٤١٢ق، ١٦٤٥). همچنین در همین باره گفته شده است: یکی از همسایگان از کثرت گربه متزل همسایه‌اش شکوه نموده است، فردی به وی پیشنهاد داده که برای رهایی از موش‌ها گربه‌ای تهیه کند. وی گفته است: می‌ترسم که موش‌ها صدای گربه را شنیده و به منازل همسایگان بگریزند و به همین سبب، از کسانی تلقی شوم که برای همسایگان چیزی را دوست دارد که برای خودش آن را دوست ندارد (عبدی لحجی، بی‌تا، ٣٤٢/٢).

۱۹. تواضع و نرمش و ملایمت در رفتار با همسایگان: «وَالْيَنِ جَانِبِ الْهُمْ تَوَاضِعًا»، خدایا از تو می‌خواهم که مرا در برابر همسایه‌هایم به نشانه تواضع نرمخو کنی. در این جمله ضمن اشاره به آن که نرمخویی و ملایمت با همسایگان از جمله آداب همسایگی است، اشاره شده که نرمخویی از نشانه‌های تواضع و فروتنی است.

با توجه به خصوصیت و ادب یاد شده در آیه «فَبِمَا رَحْمَةِ مِنَ اللَّهِ لِنَتَّلَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًّا الْقَلْبَ لَانْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران/١٥٩) نرمخویی از اسباب

موفقیت پیامبر ﷺ دانسته شده است، و در ذیل تفسیر آن گفته شده روایاتی می‌گویند ترویج دین اسلام به خاطر سه چیز روی داد: مال خدیجه، شمشیر علی، خلق پیغمبر (طیب، ۹۶/۱۰ ش، ۱۳۷۸). بدیهی است که فروتنی و نرمخویی با همسایگان و دیگر آحاد جامعه می‌تواند در جذب آنها بسیار راه‌گشا باشد.

۲۰. دلجویی همراه با مهربانی و دلسوزی از همسایگان گرفتار: «ارق علی اهل البلاء منهم رحمة»؛ خدا ایا مرا بر آن دار که از همسایگان گرفتار با مهربانی و دلسوزی دلجویی کنم.

کسانی که در معرض بلا و حوادث ناگوار و ناخوشایند قرار می‌گیرند در معرض آسیب بیشتری قرار دارند و از همین روی به مراقبت و توجه بیشتری نیاز دارند. امام ؓ در این جمله از خداوند خواسته‌اند که ایشان را در توجه توأم با مهربانی و دلسوزی به همسایگان گرفتار توفیق بخشد.

۲۱. اظهار محبت در نهان و آشکار نسبت به همسایگان: «و اسر لهم بالغيب»؛ خدا ایا مرا بر آن دار که در پشت سر و رو بروی همسایگان دوستی خود را نسبت به ایشان ابراز کنم.

حضرت در این قسمت نسبت به رفتارهای منافقانه نسبت به همسایگان پرهیز داده و توصیه نموده‌اند که ظاهر و باطن نسبت به همسایگان باید یکسان و مساوی باشد. این نوع رفتار نسبت به همه افراد جامعه توصیه شده است، یعنی از همه خواسته شده که در نهان و آشکار، سخن و رفتار یکسانی نسبت به یکدیگر داشته باشند. امام صادق ؓ فرموده‌اند: «مَنْ لَقِيَ الْمُسْلِمِينَ بِوَجْهِهِنَّ وَلِسَائِنِهِنَّ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَهُ لِسَائِنَانِ مِنْ نَارٍ»؛ هر کس با دو چهره و دو زبان گوناگون با مسلمانان روبرو شود، روز قیامت با دو زبان آتشی ظاهر خواهد شد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳۴۳/۲).

۲۲. پیکره واحد دانستن جامعه: این امر از جملات ذیل نتیجه گرفته می‌شود که در آنها فرموده‌اند: «احب بقاء النعمة عندهم نصحاً و اوجب لهم ما اوجب

لحماتی و ارعی لهم ما ارعی لخاصتی»؛ خدایا مرا بر آن دار که نعمت همیشگی (روزی و خوشی) را نزد همسایگان دوست بدارم و آنچه را برای نزدیکان خود واجب و لازم می‌دانم درباره ایشان لازم دانم و آنچه را برای خواص و نزدیکان رعایت داشته و در نظر دارم برای ایشان رعایت کنم.

پیکره واحد دانستن جامعه از افتخارات فرهنگ اسلامی است که به صور گوناگون از آن سخن گفته شده است. از جمله رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «المؤمنون كالجسد الواحد اذا اشتكتى منه عضو تداعى له سائر الجسد بالسهر و الحمى»؛ مؤمنان همچون پیکر واحد هستند که هرگاه عضوی از آن از درد شکایت کند، سایر اعضاء در بیماری و تب با آن همراهی می‌کنند (طبری، ١٤١٢ق، ٨٤/٢٦). در عبارتی مشابه فرموده‌اند: «تجدد المسلمين في توادهم و تراحمهم كالجسد الواحد إذا اشتكتى منه عضو اشتكتى له جميع الجسد بالسهر و الحمى» (ابن عاصور، بی‌تا، ١٧٤/٢٦).

در عبارات بعد، از جمله «ارزقنى مثل ذلك منهم»؛ از خداوند درخواست نموده‌اند که همان وظایفی که وی به عنوان امام و پیشوای مبدیر در مقابل همسایگان خود دارد، همسایگان نیز همین موارد را در مورد ایشان رعایت و عملی سازند و همسایگان نیز همان شیوه سلوک و رفتار را با ایشان داشته باشند. و از خداوند می‌خواهند که به همسایگان در مورد پیشوای خود بصیرت و بینایی دهد تا به وسیله امام خود نیکبخت شوند.

#### ۴. نتیجه گیری

از آنچه گذشت نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. همسایه در انتقال فرهنگ و آداب اسلامی و مقبولیت مردمی و بهداشت روانی دنیوی و آخرت خوب تأثیرگذار است و از همین روی به صور گوناگون به خوش همسایگی توصیه شده و خوش همسایگی از جمله مکارم اخلاق تلقی

شده است.

۲. همه مذاهب فقهی اسلام، اعم از شیعه و اهل تسنن، به خوش همسایگی تشویق و سفارش نموده‌اند. این امر می‌تواند ناشی از تأکیدهای قرآن و پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم و دیگر معصومین صلوات الله علیه و آله و سلم باشد.<sup>۱۲۵</sup>

۳. اهمیت اسلام نسبت به همسایه، در میان مذاهب و ادیان و ملل گوناگون منحصر به فرد و مایه مباهات مسلمانان است. راه کارهای عملی اسلام و پیشوایان معصوم صلوات الله علیه و آله و سلم در خصوص آداب همسایگی و وظایف همسایگان نسبت به یکدیگر به ویژه با توجه به اخلاق کاربردی متداول نیز بسیار برجسته و ممتاز است. به دلیل برخورداری شیعه از مضامین ارزشمند ادعیه، از جمله ادعیه امام سجاد صلوات الله علیه و آله و سلم و در اختیار داشتن سنت چهارده معصوم صلوات الله علیه و آله و سلم غنا و راه کارهای بیشتری نسبت به اهل تسنن به چشم می‌خورد.

۴. از دستورالعمل‌های امام سجاد صلوات الله علیه و آله و سلم در خصوص وظایف همسایگان برمی‌آید که همسایگان در مقابل یکدیگر دو وظیفه عام و خاص دارند؛ وظایف عام همه آحاد جامعه، اعم از مدیر، غیر مدیر و... را شامل است و در وظایف خاص، مدیران جامعه در مقابل همسایگان خود و همسایگان در مقابل مدیران جامعه که در همسایگی آنها قرار دارند وظایفی ویژه دارند.

۵. با وجود شمول و فراگیری مفهوم «جار» و تصور مصاديق متعدد جار و همسایه، جار به معنای هم جواری در سکونت و محل زندگی، بیشتر مورد توجه دانشمندان گوناگون اسلامی، اعم از فقهاء و جز آنها قرار گرفته است. این امر می‌تواند ناشی از آن باشد که در این نوع هم جواری افراد وقت بیشتری از زندگی خود را صرف نموده و بدون لحاظ عنایین حرفه‌ای رابطه بیشتر و ساده‌تری با هم دارند.

پی‌نوشت

1. <http://www.alkeltawia.com/site2/pkg09/index.php?page=show&ex=2&dir=dpages&cat=1145>

## متابع و مأخذ ١. قرآن كريم.

٢. رضى سيد، محمد بن حسين (١٤١٤ق)، ترجمه و شرح نهج البلاعه، قم، مؤسسة نهج البلاعه، چاپ اول.
٣. امام زین العابدين ع (١٤١٨ق)، صحيفه سجاديه، قم، دفتر نشر الهادي، چاپ اول.
٤. آيتی، عبدالمحمد (١٣٧٥ش)، ترجمة صحيفه سجاديه، تهران، انتشارات صدراء، چاپ دوم.
٥. آملی، سید حیدر (١٤٢٢ق)، تفسیر المحيط الاعظم و البحر الخضم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ سوم.
٦. ابن اثیر، مجدهالدین (١٣٦٦ش)، النهاية في غريب الحديث، قم، مؤسسه اسماعيليان.
٧. ابن عابدين، محمد امين (١٤١٥ق)، حاشية رد المختار، دارالفکر.
٨. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، التحریر و التنویر، بی جا.
٩. ابن منظور مصری (١٤٠٥ق)، لسان العرب، دار احياء التراث العربي، چاپ اول، نشر ادب الحوزه.
١٠. ابن هائم، شهاب الدین احمد (١٤٢٣ق)، التبيان في تفسير غريب القرآن، بيروت، دار الغرب الاسلامي، چاپ اول.
١١. ابونعمیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (١٤٠٥ق)، حلیۃ الاولیاء، بيروت، دارالكتاب العربي، چاپ چهارم.
١٢. احمد بن حنبل (بی تا)، مسنند احمد، بيروت، دار صادر.
١٣. بحرانی، یوسف (١٤٠٥ق)، الحدائق الناضرة في احكام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
١٤. البرقی، احمد بن محمد (١٣٧١ق)، محاسن، قم، دارالكتب الاسلامیه، چاپ دوم.
١٥. البعوی (بی تا)، التفسیر البعوی، بيروت، دار المعرفة.
١٦. ثقیی تهرانی، محمد (١٣٩٨ق)، تفسیر روان جاوید، تهران، انتشارات برهان، چاپ سوم.
١٧. الجکنی الشنقطی، محمد بن مختار (١٤١٥ق)، اضواء البيان، بيروت، دار الفکر للطبعه و النشر.
١٨. حر عاملی، محمد بن حسن (١٤١٢ق)، هدایة الامة الى احكام الائمة، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، چاپ اول.
١٩. حر عاملی، محمد بن حسن (١٤٠٩ق)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت ع.
٢٠. حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا)، تفسیر روح البيان، بيروت، دار الفکر.
٢١. حلی (علامه)، محمد بن یوسف (بی تا)، تذكرة الفقهاء، طبع قدیم، مؤسسه آل البيت ع.
٢٢. حلی، جمال الدین احمد (١٤٠٧ق)، عدة الداعی، دارالكتاب العربي.

٢٣. حلی، فاضل مقداد سیوری (١٤٠٤ق)، *التنقیح الرائع لمختصر الشرایع*، قم، کتابخانة آیت الله مرعشی، چاپ اول.
٢٤. حلی، فاضل مقداد سیوری (١٤١٩ق)، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، مجتمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول.
٢٥. خوانساری، احمد (١٤٠٥ق)، *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
٢٦. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (١٤١٢ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق - بیروت، دارالعلم الدار الشامیه.
٢٧. ری شهری ، محمد (١٣٧٥ش)، *میزان الحكمه*، قم، دارالحدیث، چاپ دوم.
٢٨. الزبیدی، محمد مرتضی (بی تا)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، المکتبه الحیاہ.
٢٩. سائنس، محمد علی (بی تا)، *تفسیر آیات الاحکام*، بی جا.
٣٠. الشحود، علی بن نایف (بی تا)، *موسوعة المفاهیم الاسلامیة*، بی جا.
٣١. الشربینی الخطیب، محمد (١٣٧٧ق)، *معنى المحتاج الى معرفة معانی الفاظ المنهاج*، دار احیاء التراث العربی.
٣٢. شرتونی، سعید (١٣٨٥ش)، *اقرب الموارد*، تهران، سازمان حج اوقاف و امور خیریه.
٣٣. شهید ثانی، زین الدین (١٤١٠ق)، *شرح لمعه*، قم، کتابفروشی داوری، چاپ اول.
٣٤. شهید ثانی، زین الدین (١٤١٣ق)، *مسالک الافهام الى تدقیح شرایع الاسلام*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول.
٣٥. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (١٤٠٧ق)، *تهذیب الاحکام*، تهران، دارالكتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
٣٦. صدقوق قمی، محمد بن علی (١٤١٣ق)، *أمالی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
٣٧. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (١٤١٢ق)، *جامع البيان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول.
٣٨. طیب، سید عبدالحسین (١٣٧٨ش)، *أطیب البيان*، تهران، انتشارات اسلام.
٣٩. عبادی لحجی، عبدالله بن سعید (بی تا)، *متهی السؤل علی وسائل الوصول الى شمائل الرسول ﷺ*، جده، دار المنهاج.
٤٠. غزالی، محمد بن محمد (بی تا)، *إحياء علوم الدين*، بیروت، دارالمعرفه.
٤١. فخر رازی، محمد (١٤٢١ق)، *التفسیر الكبير*، بیروت، دارالكتب العلمیه، چاپ اول.
٤٢. فیض کاشانی، محسن، محمد بن مرتضی (١٤٠٦ق)، *السواقی*، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین، چاپ اول.
٤٣. فیض کاشانی، محسن، محمد بن مرتضی (١٤١٠ق)، *التفسیر المعین*، قم، کتابخانه آیت الله

- مرعشی نجفی، چاپ اول.
٤٤. فيض کاشانی، محسن، محمد بن مرتضی (١٤٢٥ق)، الشافی فی العقاید و الاخلاق و الاحکام، تهران، دار نشر اللوح المحفوظ، چاپ اول.
٤٥. فيومی، احمد (بی‌تا)، مصباح المنیر، بی‌جا.
٤٦. قرشی، علی اکبر (١٣٧١ش)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
٤٧. قرشی، علی اکبر (١٣٧٧ش)، تفسیر أحسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، چاپ سوم.
٤٨. قنوجی، سید محمد صدیق (بی‌تا)، نیل المرام فی تفسیر آیات الاحکام، بی‌جا.
٤٩. کاشانی، ابوبکر (١٤٠٩ق)، بداع الصنایع پاکستان، المکتبه الحسینی، چاپ اول.
٥٠. کلینی، محمد بن یعقوب (١٤٠٧ق)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
٥١. لیشی واسطی، علی بن محمد (١٣٧٦ش)، عیون الحكم و الموعظ، قم، دارالحدیث، چاپ اول.
٥٢. مجلسی، محمد باقر (١٤٠٣ق)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم.
٥٣. المتقدی الهندي (بی‌تا)، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله.
٥٤. مدنی شیرازی، سید علی خان حسینی (١٤٠٩ق-١٤١١ق)، ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید العابدین، دفتر انتشارات اسلامی.
٥٥. مصطفوی، حسن (١٣٨٠ش)، تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، چاپ اول.
٥٦. مکارم شیرازی، ناصر (١٤٢١ق)، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم، مدرسة امام علی بن ابی طالب علیہ السلام، چاپ اول.
٥٧. ممدوحی کرمانشاهی، حسن (١٣٨٨ش)، شهود و شناخت، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ چهارم.
٥٨. موسوی همدانی، سید محمد باقر (١٣٧٤ش)، ترجمة تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
٥٩. نوری طبرسی، میرزا حسین (١٤٠٨ق)، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل الیت لاحیاء التراث، چاپ اول.
- 60.<http://www.alkeltawia.com/site2/pkg09/index.php?page = show&ex = 2&dir = dpages&cat = 1145>